

دکتر آیو آدوویا ، دوم قرنطیان ، جلسه ۸ دوم قرنطیان ۷ ، درخواست فوری

آیو آدوویا و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر آیو آدوویا در حال تدریس در مورد دوم قرنطیان است. این جلسه ۸، دوم قرنطیان ۷، درخواست‌های فوری است.

ما شروع به بررسی دوم قرنطیان ۷ می‌کنیم. در جلسه گذشته، ما با دوم قرنطیان ۶ به پایان رسیدیم و به ۶:۱۴ نگاه کردیم، اما در واقع، آن متن، آن حاشیه، تا ۷:۱ ادامه دارد. بنابراین، بخش جدید از ۷:۲ شروع می‌شد بنابراین، بیایید سریعاً در مورد ۷:۱ صحبت کنیم، جایی که پولس در مورد داشتن این وعده‌های بزرگ صحبت می‌کند: ما باید خود را از هرگونه آلودگی و ناپاکی پاک کنیم و تقدس را در ترس از خدا به کمال برسانیم.

عزیزان، حال که این وعده‌ها را داریم، بیایید خود را از هر نجاست جسم و روح پاک کنیم و با ترس از خدا تقدس را به کمال برسانیم. می‌بینید، این آیه به انحرافی که در ۶:۱۴ آغاز می‌شود، پایان می‌دهد. بنابراین پولس حذف شده است، اما باید NIV انحراف را به پایان می‌رساند. بنابراین، او می‌گوید، بنابراین، متأسفانه، این در آنجا باشد.

پولس تمام درخواست‌های قبلی را خلاصه می‌کند. او بر اساس این وعده‌های بزرگ گفت، وعده‌ها چه هستند؟ جایی که خدا می‌گوید، شما پسران من خواهید بود، من خدای شما خواهم بود، و شما پسران من خواهید بود، و شما نیز دختران من خواهید بود. و من پدر شما خواهم بود، و شما پسران و دختران من خواهید بود، می‌گوید خداوند متعال.

او گفت، من از شما استقبال خواهم کرد. بنابراین، پولس می‌گوید، با توجه به این وعده‌ها، ما باید در مسیری گام برداریم که شایسته‌ی رسالتمان باشد. بنابراین، او آنها را دوستان عزیز می‌نامد، و این بسیار جالب است.

به agapetoi حالا، به افرادی فکر کنید که با او مخالفند و پولس آنها را دوستان عزیز می‌نامد. کلمه یونانی معنای محبوب است، که چیزی است که پولس اغلب برای کسانی که با آنها رابطه نزدیک و صمیمانه‌ای دارد، استفاده می‌کند. با این حال، پولس این افراد را دوستان عزیز، محبوب می‌نامد.

می‌بینید، پولس از نصایح آغازین و پایانی خود در ۶:۱۴ و ۷:۱ با استدلال‌هایی که به طور بسیار آزادانه از متون مختلف کتاب مقدس ساخته شده‌اند، پشتیبانی می‌کند. اما اکنون او ما را به زندگی اخلاقی فرا می‌خواند و می‌گوید، بیایید خود را پاک کنیم. چنین نصایحی از دستورات، شدت کمتری دارند، اما کاری است که ما هنوز باید انجام دهیم.

آنها از مخاطب دعوت می‌کنند تا در دنبال کردن انتظار مشترک به نویسنده بپیوندند. او گفت تطهیر. خیلی جالب است که کلمه تطهیر یا پاکسازی در اینجا معمولاً از جایی سرچشمه می‌گیرد که ما آن را محیط‌های فرقه‌ای، در محیط‌های عبادت می‌نامیم.

برای مثال، در انجیل‌ها، وقتی از پاکسازی صحبت می‌شود، برای شفای جذام از آن استفاده شده است. اما در اینجا، دامنه آن گسترش یافته و شامل پاکسازی اخلاقی نیز می‌شود و او می‌گوید، بیایید خود را از هرگونه

آلودگی جسم و روح پاک کنیم. کلمه‌ای که در اینجا به زبان یونانی برای آلودگی استفاده شده است، فقط در . به کار رفته است ، molusmou ، اینجا در عهد جدید

این کلمه فقط یک بار در عهد جدید استفاده شده است و به آلودگی اخلاقی و معنوی ناشی از شرکت در اعمال بت‌پرستانه اشاره دارد. و پولس از جسم و روح در بیان هرگونه آلودگی جسم و روح استفاده می‌کند. پولس می‌گوید هیچ جنبه‌ای از زندگی ما وجود ندارد که تحت تأثیر قدرت پاک‌کننده خون، جسم و روح قرار نگیرد، که ما آن را طوماری برای کل شخص می‌نامیم.

به عبارت دیگر، می‌توانید بگویید در حالی که قلب و روح من متعلق به خداست، می‌توانم هر کاری که می‌خواهم با بدنم انجام دهم. در رومیان فصل ۱۲، او دقیقاً همین را می‌گوید: شما بدن‌های خود را به عنوان قربانی زنده به خدا تقدیم می‌کنید، فقط یک قربانی قابل قبول، که خدمت معقول شمامست، و با دنیا مطابقت ندارید. می‌بینید، پولس در اینجا از جسم و روح به عنوان اصول اخلاقی متضاد استفاده نمی‌کند، نه

در عوض، او در اینجا به شیوه‌ای عامیانه از جسم و روح برای درک کل وجود انسان، از نظر جسمی و روحی، استفاده می‌کند. پولس خواستار پاکسازی اخلاقی کاملی است که بر کل وجود قرن‌تیان، و تمام زندگی ما، تأثیر خواهد گذاشت. در مدارس یکشنبه ما، ما با بچه‌ها سرود می‌خوانیم، سرم، شانه‌هایم، زانوهایم انگشتان پایم، سرم، شانه‌هایم، زانوهایم، انگشتان پایم؛ همه آنها متعلق به عیسی هستند.

این دقیقاً همان چیزی است که پولس اینجا می‌گوید. هر بخش از ما باید پاک شود. من روشی را که جان‌وسلی بیان می‌کند دوست دارم؛ او تقدیس را پاک شدن از گناهان ظاهری و باطنی در هر جنبه‌ای از زندگی ما می‌نامد.

حالا، مبدا از خودتان پرسید که آیا این نوع تقدس ممکن است؟ بگذارید فقط یک نکته را بگویم. هر آنچه خدا در کلامش فرمان می‌دهد، روح او آن را ممکن می‌سازد. اگر خدا به ما فرمان انجام کاری را بدهد، می‌توانید مطمئن باشید که او ما را برای انجام آن کار توانمند خواهد کرد.

خدا مانند فرعون نیست که به بنی‌اسرائیل بگوید بروید و علف‌ها را کوتاه کنید، اما حتی یک گاه هم برایشان فراهم نمی‌کند. بنابراین، هر آنچه که برای تبدیل شدن به آنچه خدا می‌خواهد، تبدیل شدن به کسی که خدا می‌خواهد و انجام دادن کاری که خدا می‌خواهد، نیاز داریم، برای ما فراهم شده است. منظورم این است که کلام، روح، خون و همه چیز برای ما فراهم شده است.

پس، مبدا از خود پرسید، آیا این ممکن است؟ آیا این یک آرزوی محال است؟ این یک آرزوی محال نیست. او می‌گوید ما وظیفه خود را انجام می‌دهیم. بیاید خود را تطهیر کنیم.

ما خود را پاک می‌کنیم، سهم خود را انجام می‌دهیم و اجازه می‌دهیم خدا سهم خود را انجام دهد. و او می‌گوید، بیاید تقدس را در ترس از خدا به کمال برسانیم. یعنی، نتیجه‌ای مطابق نقشه یا هدف به دست آوریم.

این کاری است که ما باید انجام دهیم. می‌بینید، برای پولس، کامل کردن تقدس هدف زندگی مسیحی است. من روشی را که واعظ بزرگ آدام کلارک بیان می‌کند دوست دارم وقتی می‌گوید، آوردن تمام ذهن مسیح به روح.

این هدف بزرگی برای یک تلاش واقعی مسیحی است. یعنی آوردن تمام ذهن مسیح به درون روح. و او می‌گوید، کامل کردن تقدس در ترس از خدا.

این خیلی مهم است. حالا از آنجا حرکت می‌کنیم و به فصل ۷ می‌رویم، از آیه ۲ شروع می‌کنیم، جایی که پولس درخواست خود را برای رفاقت تجدید می‌کند. تجدید درخواست وجود دارد

بنابراین، اینها درخواست‌های فوری هستند. می‌بینید، در زمان نگارش این متن، قرن‌تینان به پولس اعتماد نداشتند و مستقیماً از او که آنها را از طریق اعلام انجیل به مسیح رسانده بود، دزدی می‌کردند. بنابراین پولس همچنان تمام تلاش خود را می‌کرد تا اعتماد آنها را بازگرداند، زیرا کاملاً می‌دانست که عدم اعتماد به نفس در شخص او منجر به عدم اعتماد به پیام او خواهد شد.

گذشته از همه اینها، اعتبار هر پیامی به اندازه اعتبار پیام‌رسان آن است. منظورم این است که اگر کسی بگوید دزدی نکنید، و شما او را به عنوان یک دزد بشناسید، می‌گویید، خب، بی‌خیالش شو

و شما می‌گویید، خب، او به ما چه می‌گوید؟ ما این را می‌دانیم. یادم می‌آید، چند سال پیش، کسی موعظه می‌کرد و در مورد اینکه چگونه باید روزه بگیریم، این کار را انجام دهیم و تقدیس کنیم صحبت می‌کرد. و با این حال، به این شخصی که اینقدر در مورد روزه گرفتن صحبت می‌کرد، نگاه می‌کنید. شکمش کمر بند خودش بود. را پوشانده بود.

و با این حال او کسی است که به همه می‌گوید روزه بگیرند. تمام چیزی که می‌خواهم بگویم این است که پولس سعی داشت آنها را آشتی دهد زیرا می‌دانست اگر آنها به او به عنوان یک شخص شک کنند، عدم آشتی با آنها چه خطری خواهد داشت. قطعاً، این بر پیامی که او موعظه می‌کند تأثیر خواهد گذاشت.

در این مورد، پولس همچنان به عنوان عامل آشتی عمل می‌کند. حال، یک دقیقه در مورد این موضوع فکر کنید. پولس ابتکار عمل را به دست می‌گیرد، که در واقع همان کاری است که عشق انجام می‌دهد.

گاهی اوقات، ما منتظریم که کسی بیاید و به ما بگوید که متأسف است یا با ما آشتی کند. اما عشقی که پولس به قرن‌تینان داشت آنقدر زیاد بود که نتوانست این تحریک را تحمل کند و خودش ابتکار عمل را به دست گرفت. و امروز، می‌دانیم که چیزهای زیادی وجود دارد که بین ما و بین ما به عنوان مؤمنان شکاف ایجاد می‌کند، اما کلیسا باید همچنان یک جامعه آشتی‌جو باشد.

اجتماع مقدسین که با عشق متقابل و اعتماد مشترک مشخص می‌شود. این همان چیزی است که کلیسا باید باشد. خیلی غم‌انگیز است که می‌توانید در یک فرقه، فرقه‌ای یکسان پیدا کنید، و در آن فرقه، دو یا سه کلیسا را در یک خیابان پایین‌تر از یکدیگر پیدا کنید، و آنها هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند.

و با این حال، آنها به یک فرقه تعلق دارند. یک بلوک از یکدیگر فاصله دارند. کشیشان هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند.

اعضا هیچ ارتباطی با هم ندارند. آنها با سوءظن به یکدیگر نگاه می‌کنند. آنها نمی‌توانند با هم جلسه مشترک داشته باشند.

چرا؟ چون آنها می‌ترسند اعضای ما به آن کلیسای دیگر بروند و دیگر پیش ما برنگردند. ما باید جمعی از مقدسین باشیم که با عشق متقابل و اعتماد مشترک مشخص می‌شود. حال، او در فصل ۷ از آیات ۲ تا ۴ صحبت می‌کند. او به دعوت خود برای تجدید اعتماد متقابل بازمی‌گردد، که در فصل ۱۱: ۶ تا ۱۳ آغاز کرده بود.

او گفت، برای ما در قلب‌هایتان جایی باز کنید. برای ما در قلب‌هایتان جایی باز کنید. بنابراین، آنچه در آیات ۶، ۱۱ تا ۱۳ می‌بینید، در آیات ۷: ۲ تا ۴ نیز تکرار شده است. پولس در آیه ۶: ۱۳ دوباره درخواست خود را تکرار می‌کند.

در آیه ۱۳: ۶، او قبلاً گفته است که قلب‌های خود را نیز به روی دیگران بگشایید. و اکنون در فصل ۷، آیه به آن بازمی‌گردد. این آیات در کنار هم، یک درخواست محبت‌آمیز را تشکیل می‌دهند که در هیچ جای ۲ عهد جدید مشابه آن یافت نمی‌شود. این یک درخواست محبت‌آمیز است.

در قلب‌هایتان جایی برای ما باز کنید. حال، به یاد داشته باشید که در ابتدای مطالعه‌ی این مجموعه گفتیم که این کتاب دریچه‌ای به قلب پولس است. این پنجره‌ای به قلب پولس است.

ما این را گفتیم. می‌توانید همین جا آن را ببینید. آیات ۷: ۲ تا ۴ چه معنایی دارند، واقعاً به چه معناست؟ بیایید آن را به طور کامل بخوانیم.

در قلب‌هایتان جایی برای ما باز کنید. ما به هیچ کس ظلم نکرده‌ایم. ما هیچ کس را فاسد نکرده‌ایم.

ما از هیچ کس سوءاستفاده نکرده‌ایم. این را نمی‌گویم که تو را محکوم کنم. چون قبلاً هم گفته‌ام که تو در قلب ما هستی.

با هم مردن و با هم زیستن. من اغلب به تو می‌بالد. من به تو بسیار افتخار می‌کنم.

من سرشار از تسلی هستم. در تمام رنج‌هایمان، از شنیدن خبر اشتیاق و سوگواری شما، بسیار شادمانم.

غیرت تو برای من باعث شد که بیشتر به تو بپیوندم. می‌بینید، منظور آیات ۲ تا ۴ از باب ۷، زمانی که پولس در تلاش برای تکمیل آشتی خود با قرن‌تیا است، آشکار می‌شود. به نظر می‌رسد که او متوجه سوالاتی در ذهن آنها در مورد رفتارش می‌شود، زیرا با یک جمله سه قسمتی اصرار دارد که با هیچ کس در قرن‌تیا بدرفتاری نکرده است.

این به ما نشان می‌دهد که پولس می‌دانست که هنوز تردیدهایی وجود دارد. این متن بسیار مهم است. هم به گذشته و هم به آینده نگاه می‌کند.

دوم قرن‌تیا ۷: ۲ تا ۴، بحث طولانی پولس را که از ۲: ۱۴ شروع شده بود، به پایان می‌رساند و اکنون روایت ملاقات او با تیطس در مقدونیه را که از ۲: ۱۲ تا ۲: ۱۳ شروع شده بود، از سر می‌گیرد. پس برای درخواست در قلب‌هایتان جایی برای ما باز کنید. اکثر ترجمه‌ها کلمه «در قلب‌هایتان» را اضافه می‌کنند تا روشن شود که پولس از جایی که در ۶: ۱۱ صحبت را متوقف کرده است، صحبت می‌کند. همانطور که نسخه استاندارد جدید اصلاح‌شده آن را ترجمه می‌کند، قلب ما کاملاً باز است. اگر قرار است آشتی برقرار شود، قرن‌تیا باید متقابلاً عمل کنند.

می‌بینید، رفاقت واقعی نیازمند مشارکت و دوگانگی است. برای اینکه رفاقت بین دو نفر، بین دو کلیسا و بین دو بدن وجود داشته باشد، نیازمند مشارکت و دوگانگی است. و پولس کاملاً پذیرای این نمایش، این نمایش محبت متقابل، است.

بنابراین، او آنها را ترغیب می‌کند که به همان شکل پاسخ دهند. او اصرار دارد که هرگز به کسی بدی نکرده است. این چیزی است که او گفته است.

ما به هیچ کس بدی نکرده‌ایم. ما به هیچ کس بدی نکرده‌ایم. می‌بینید، وقتی پولس می‌گوید ما در اینجا به هیچ کس بدی نکرده‌ایم، کلمه‌ی بدی در اینجا یک اصطلاح کلی برای خطاکاری است.

ما هیچ بدی به کسی نکرده‌ایم. این بدی شامل آسیب یا رفتار ناعادلانه می‌شود. این دقیقاً برعکس کاری است که درستکاری انجام می‌دهد.

و او می‌گوید که ما این کار را نکرده‌ایم. بنابراین، پولس هرگز با قرنتیان ناعادلانه رفتار نکرد. او با آنها با احترام رفتار کرده است، و در انجیل با آنها مانند یک پدر رفتار کرده است.

و بعد می‌گوید ما هیچ کس را فاسد نکرده‌ایم. حال، کلمه فساد به اخلاق یا اصول مربوط می‌شود. در حالی که کلمه «ما به هیچ کس بدی نکرده‌ایم» در مورد توهین یا آسیب یا رفتار ناعادلانه صحبت می‌کند؛ در اینجا کلمه فساد به اخلاق یا اصول مربوط می‌شود.

پولس انکار می‌کند که با موعظه‌هایش انجیل را تحریف کرده است، که به گفته‌ی خودش برمی‌گردد: ما مانند دیگران که انجیل را می‌فروشد نیستیم. کلام او از جانب خداست. و سپس گفت که ما از کسی سوءاستفاده نکرده‌ایم.

ما از کسی سوءاستفاده نکرده‌ایم. وقتی او می‌گوید ما از کسی سوءاستفاده نکرده‌ایم، منظورش این است که ما از کسی کلاهبرداری نکرده‌ایم. جالب است که پولس در فصل ۱۲، آیات ۱۷ تا ۱۸، از همین فعل استفاده می‌کند، جایی که او گرفتن پول از آنها را از نظر مالی انکار می‌کند.

پولس می‌گوید ما از شما سوءاستفاده نکرده‌ایم. ما از هیچ کس سوءاستفاده نکرده‌ایم. اما او می‌گوید ما از هیچ کس سوءاستفاده نکرده‌ایم، یعنی ما از شما سوءاستفاده نکرده‌ایم.

چقدر آرزو می‌کنم که بسیاری از کشیشان می‌توانستند با جسارت بگویند که امروز از جماعت خود سوءاستفاده نکرده‌اند. ما شما را گول نزده‌ایم. ما شما را فریب نداده‌ایم.

ما شما را فریب نداده‌ایم. فرهنگ لغت این را اینگونه تعریف می‌کند. پولس دوباره از فعل استفاده می‌کند.

می‌بینید، تأثیر این سه فعل، هیچ کس، صحبت کردن درباره هیچ کس، انکار را به جای خاص، کلی می‌کند. من هیچ کار اشتباهی در حق کسی نکرده‌ام. کاملاً محتمل است که پولس در حال پاسخ به اتهامات خاصی باشد که علیه او مطرح شده است.

این کاملاً ممکن است. اما این کاملاً حدس و گمان است. او به سادگی گفت هیچ کس

او اسم کسی را نیاورد. بنابراین، کاری که پولس انجام می‌دهد این است که بر پی‌گناهی خود اصرار می‌کند تا درخواستی برای اعتماد متقابل داشته باشد. حالا، یک دقیقه در مورد این فکر کنید.

عیسی در یوحنا فصل ۸ گفت، کدام یک از شما مرا به گناه محکوم کرده است؟ سپس، به صحبت‌های سموئیل در مورد فراخواندن مردم فکر کنید. او گفت گاو چه کسی را گرفته‌ام؟ مال چه کسی را گرفته‌ام؟ من با چه کسی غصب شده‌ام؟ بنابراین، پولس خود را در همان سطح قرار می‌دهد و می‌گوید، ببینید، من به همان اندازه پاک و معصوم هستم. او این را صریحاً نگفت، اما مثل این است که عیسی بگوید، ببینید، من این کار را نکرده‌ام، کدام یک از شما اینجا می‌تواند مرا به چیزی محکوم کند؟ و پولس در واقع در اول

تسالونیکیان می‌گویند، شما می‌دانید که ما در میان شما ایمانداران چقدر مقدس، عادلانه و بی‌عیب رفتار کرده‌ایم.

و به یاد دارید که او در اعمال رسولان فصل ۲۴، آیه ۱۶ چه می‌گوید، جایی که می‌گوید، در اینجا همیشه خود را تمرین می‌کنم تا وجدانی داشته باشم که همیشه از گناه نسبت به خدا و نسبت به انسان پاک باشد ببینید، این پولس است، و او نمونه‌ای از آنچه یک خادم باید از نظر درستکاری داشته باشد را به ما ارائه می‌دهد. حالا، این را درست متوجه شوید.

با اینکه عیسی بی‌گناه بود، مردم هنوز او را متهم می‌کنند. با اینکه سموئیل درست زندگی کرد، البته با پسرش مشکل داشت و مردم هنوز علیه او شورش می‌کردند. بنابراین، این بدان معنا نیست که مردم قرار نیست از شما ایراد بگیرند، زیرا مردم همیشه می‌توانند از هر کسی ایراد بگیرند.

آنها می‌توانند از فرشتگان ایراد بگیرند، و می‌توانند از هر کسی ایراد بگیرند. اما شما می‌توانید زندگی خود را به درستی بگذرانید، به لطف خدا، وجدانتان آسوده است. حال، پولس می‌خواهد از هرگونه سوءتفاهم احتمالی با قرن‌تیان جلوگیری کند.

بنابراین، او در آیه ۳ به آنها اطمینان می‌دهد که من این را نمی‌گویم تا شما را محکوم کنم. می‌خواهم که این را درست متوجه شوید. من شما را محکوم نمی‌کنم.

برعکس، آنچه من برای تو دارم عشق و اعتماد متقابل است که به من این امکان را می‌دهد که به تو بگویم که تو در قلب‌های ما هستی تا با هم بمیریم و با هم زندگی کنیم. این کلید تمام چیزهایی است که در ادامه می‌آید. تو در قلب‌های ما هستی تا با هم بمیریم و با هم زندگی کنیم، همانطور که در ترجمه استاندارد جدید آمریکا آمده است.

NIV دقیقاً همین را می‌گوید. و بعد ادامه می‌دهد، ما با شما زندگی خواهیم کرد یا خواهیم مرد. این تعبیر است.

اکثر مفسران فرض می‌کنند که پولس صرفاً از یک عبارت قراردادی برای پیوندها، پیوندهای ناگسستگی وفاداری بین دوستان، استفاده می‌کند. بنابراین، می‌بینید که در آیه ۴، پلی به آنچه در ادامه می‌آید، می‌یابید. به انتخاب کلمات پولس نگاه کنید.

این انتخاب‌ها ما را به فصل‌های اولیه نامه و نکته‌ای که در مورد مضامینی که بعداً در نامه مطرح خواهند شد، برمی‌گرداند. او از کلمات تسلی، شادی و مشکلات استفاده می‌کند که به ویژه قابل توجه هستند. همانطور که در فصل ۱، آیات ۳ تا ۸، کلمه و مضمون تسلی در پاراگراف بعدی نیز وجود دارد.

در ادامه خواهیم دید. پولس به جای محکوم کردن قرن‌تیان، از آنها می‌خواهد که به آنها اعتماد زیادی داشته باشند. او از همان کلمه‌ای که در فصل ۳، آیه ۱۲، هنگام صحبت در مورد جسارت استفاده کرده بود، یعنی که به معنای گفتار صریح و رک‌گویی است، استفاده می‌کند، *parousia*.

معنی‌اش همین است. او با قلب باز و گفتار بی‌پرده‌اش، افتخار بزرگی را که به آنها دارد، ابراز می‌کند. حال، با آمدن تیطس در فصل ۷، آیات ۵ تا ۷، زیرا حتی وقتی به مقدونیه رسیدیم، بدن‌هایمان آرامش نداشت، بلکه از هر نظر رنج می‌بردیم، در بیرون اختلاف داشتیم و در درون ترس

اما خدایی که دلشکستگان را تسلی می‌دهد، با آمدن تیطوس ما را تسلی داد، و نه تنها با آمدن او، بلکه با تسلی‌ای که او به شما داده است. بنابراین، پولس در آیات ۵ تا ۷، روایت سفرهای خود را در رابطه با کلیسای قرنتس از سر می‌گیرد. این موارد ذهن او را در فصل ۱، آیه ۱۲، تا فصل ۲، آیه ۱۳ مشغول کرده بود، اما او آن داستان را کامل نکرد.

حالا، پولس برمی‌گردد تا آن داستان را کامل کند. او به یک پراکنش طولانی در مورد خدمتش از ۲:۱۴ تا ۷:۴ می‌پردازد و حالا داستان را از سر می‌گیرد. داستان دقیقاً چیست؟ می‌بینید، پس از دیدار دردناکش، که در فصل ۲ می‌بینیم، پولس به قرنتس بازگشت.

در عوض، او تیطوس را از افسس به قرنتس با نامه‌ای اندوهگین فرستاد. او امیدوار بود که نامه‌اش مورد استقبال قرار گیرد، اما می‌ترسید که این اتفاق نیفتد. بنابراین، پولس به ترأس سفر کرد، جایی که خداوند دری را برای خدمت او گشود و انتظار داشت در آنجا با تیطوس ملاقات کند، که با اخباری از کلیسا بازگشت.

اما تیطوس آنجا نبود. بنابراین، پولس بی‌قرار شد و از خود پرسید که چه اتفاقی افتاده است. بنابراین، پولس بی‌قرار، به مقدونیه نقل مکان کرد و مشتاقانه منتظر بازگشت تیطوس بود.

بنابراین، این جایی است که او خوانندگان خود را در فصل ۲ رها کرد. او روایت سفر خود را قطع کرد تا تسلیم میل مقاومت‌ناپذیر ستایش خدا به خاطر رسالت رسولی‌اش شود. حال، چه چیزی باعث شد که او این را بشکند؟ ما واقعاً نمی‌دانیم. این انحراف احتمالاً خودجوش است.

منظورم این است که، همانطور که پولس همیشه انجام می‌داد. این تنها جایی نیست که پولس از آن می‌گذرد. او در فصل ۳ رومیان از آن می‌گذرد و دیگر به فصل ۹ بر نمی‌گردد. او همیشه این کار را می‌کند.

پولس، پولس است. بیایید اینطور بگوییم. اما حالا، در آیه ۵، او توضیح خود را در مورد کاری که انجام داده است، ارائه می‌دهد.

او گفت، زیرا حتی وقتی به مقدونیه رسیدیم، بدن‌هایمان آرامش نداشتند. او همچنان از جسم بی‌قرار خود می‌گوید. بدن‌هایمان آرامش نداشتند.

حالا، به رنج‌هایی که در باب ۱، آیات ۳ تا ۱۰ در موردشان صحبت کردیم فکر کنید. حالا، او گفت که ما بی‌قرار بودیم، و در باب ۴، آیه ۸، گفت که ما از هر نظر رنج می‌کشیم. اما اینجا، او گفت که بدن‌های ما آرامش ندارند.

اما ما از هر نظر رنج کشیدیم. اختلافات در بیرون و ترس در درون. می‌دانید چیست؟ پولس یک ابرانسان نیست.

او هم مثل ما انسان است. آرامش همیشه سهم او نبود. او گفت من بی‌قرارم.

من بی‌قرار بودم. می‌دانید، بی‌قراری به خاطر چه چیزی؟ یک نگرانی واقعی، مانند نگرانی پولس برای تیطوس و قرنتیان، ظرفیت تحمل رنج را افزایش می‌دهد. می‌بینید، وقتی ما نگرانی واقعی داریم، ظرفیت تحمل رنج ما افزایش می‌یابد.

ما می‌توانیم تحملش کنیم چون دغدغه‌های عاشقانه داریم. اما پولس به همین جا بسنده نمی‌کند. و من این یکی را دوست دارم.

او می‌گوید، اما خدا. او به اینجا بسنده نمی‌کند. اما خدا

او با یک حریف بسیار قوی شروع می‌کند. او می‌گوید، اما، که تسلی خدا را در زندگی او تأیید می‌کند

اما خدا. و هر بار که آن را جز خدا می‌بینید، چیزی به دنبال آن می‌آید. تجربه خودش به او آموخته بود که خدا پدر شفقت و خدای همه تسلی‌ها است.

این همان چیزی است که او در فصل ۱، آیه ۳ گفت. اما خدایی که دلشکستگان را تسلی می‌دهد، با آمدن تیطوس، کسی که تنهاییان را تسلی می‌دهد، ما را تسلی داد. ترجمه تحت‌اللفظی چیزی شبیه به این خواهد بود. کسی که تنهاییان را تسلی می‌دهد، فروتنان را تسلی می‌دهد.

خدا به واسطه حضور تیطوس. خدا به عنوان تسلی دهنده تعریف شده است. ترکیب پولس با خدا، تضاد مهمی را که او در نوشته‌هایش به کار می‌برد، به ما یادآوری می‌کند.

منظورم این است که در افسسیان، اما خدا. خدا ناامیدی بی‌قرار پولس را به شادی بی‌حد و حصر تبدیل کرد. آیا این فوق‌العاده نیست؟ این کاری است که خدا انجام می‌دهد.

خداوند ناامیدی بی‌قرار پولس را به شادی بی‌کران تبدیل کرد. او چگونه این کار را انجام داد؟ او با آمدن تیطوس ما را تسلی داد. با آمدن، ورود و حضور تیطوس، شادی را برای آنها به ارمغان آورد.

و نه تنها از آمدن او، بلکه از تسلی که شما به او دادید نیز. پولس تیطوس را یافت و وقتی او را یافت، بسیار برکت یافت. در مدتی که در مقدونیه به دنبال تیطوس می‌گشت، از هر سو نگران و مضطرب بود.

اما اکنون، تیطوس آمده بود. خدایی که به ستمدیدگان تسلی می‌دهد، با آمدن تیطوس به بندهاش تسلی بخشید. چه دیدار مجدد فرخنده‌ای بود.

خداوند از تیطوس برای تسلی دادن به پولس استفاده کرد، به شیوه‌ای که فقط یک دوست واقعی و یک همراه وفادار و دلسوز می‌توانست انجام دهد. تیطوس خبری برای رسول داشت. می‌دانید تیطوس نگران چه چیزی بود؟ تسلی پولس نه تنها از آمدنش، بلکه از تسلی‌ای که با آن تسلی یافته بود، ناشی می‌شد، زیرا خود تیطوس نمی‌دانست با چه چیزی روبرو خواهد شد.

همکار پولس در خدمت، در شادی رسول شریک بود. می‌دانید، همیشه می‌گویند وقتی مشکلی را با کسی در میان می‌گذارید، آن مشکل کاهش می‌یابد. وقتی شادی را با کسی در میان می‌گذارید، شادی چند برابر می‌شود.

این یه جور فرمول ریاضیه، تغییر معکوس. یه مشکل رو به اشتراک می‌ذار، و اون مشکل کاهش پیدا می‌کنه. شادی رو به اشتراک می‌ذار، و شادی چند برابر میشه.

و این اتفاقی است که بین پولس و تیطوس می‌افتد. تیطوس می‌آید. چه تجدید دیدار فرخنده‌ای. هم پولس و هم تیطوس از خبری که تیطوس از قرن‌تیان آورد، تسلی یافتند.

بنابراین، تنها آمدن تیپوس، خبری که او داد، یا تسلی تیپوس نبود که او را تسلی داد. همانطور که می‌نویسد، او با تأکید به اشتیاق شما اشاره می‌کند. ببینید او چه می‌گوید، نه تنها با آمدنش، بلکه با تسلی‌ای که شما، با اشتیاق خودتان، به او دادید.

می‌بینید، پولس تمام این فعالیت‌های انسانی را از منظر الهیاتی در نهایت کار خدا می‌دانست. او همه چیز را هماهنگ شده توسط خدا می‌دانست. علل نهایی و واسطه‌ای هر چه که بودند، همه اینها باعث شدند شادی پولس بیش از همیشه شود.

می‌بینید، ما از این آیات چه می‌آموزیم؟ ما به وضوح از این آیات می‌بینیم که امور انسانی باید رسولان را افسرده می‌کرد. منظورم این است که امور انسانی، پولس هم انسان بود. تمام اتفاقاتی که می‌افتاد، نوعی افسردگی برای پولس به همراه داشت.

اما نکته دوم این است که خدا نسبت به افراد رنج‌دیده دلسوزی می‌کند. این همان چیزی است که در اشعیا آیه ۱۳ می‌بینیم. سپس می‌بینیم که با قدرت مطلق و اختیار انسانی خود برای رفع افسردگی، می‌تواند، ۴۹ بگوید، ستایش از آن خداست، خدای همه تسلی‌ها.

خدا از وسیله استفاده می‌کند. اما در نهایت، این خداست. حال، به آیه ۸ می‌رویم. از آیه ۸، به توبه کلیسا در نتیجه غم و اندوه الهی خواهیم پرداخت.

از آیه ۸، زیرا حتی اگر با نامه‌ام شما را غمگین کردم، پشیمان نیستم، هرچند پشیمان بودم، زیرا می‌بینم که با آن نامه، هرچند کوتاه، شما را غمگین کردم. اکنون شادمانم، نه به این دلیل که غمگین شدید، بلکه به این دلیل که غم شما به توبه انجامید.

زیرا شما اندوهی الهی را تجربه کردید، به طوری که از جانب ما به هیچ وجه آسیبی ندیدید. زیرا اندوه الهی توبه‌ای به بار می‌آورد که به نجات می‌انجامد و پشیمانی به همراه ندارد، اما اندوه دنیوی مرگ را به بار می‌آورد زیرا می‌بینیم که این اندوه الهی چه شور و اشتیاقی در شما ایجاد کرده است، چه اشتیاقی برای تبریته خود، چه خشم، چه نگرانی، چه اشتیاقی، چه غیرتی، چه مجازاتی.

در هر مرحله، شما در این مورد بی‌گناهی خود را ثابت کرده‌اید. شما در این مورد بی‌گناهی خود را ثابت کرده‌اید. می‌بینید، پولس از رویارویی شخصی با قرنطیان اجتناب کرد، نه به این دلیل که از آنها می‌ترسید، بلکه به این دلیل که معتقد بود می‌تواند اختلافات آنها را حل کند، آنها نیز می‌توانند اختلافات خود را بین خودشان حل کنند.

بنابراین، با پشیمانی، و در آیه ۸، و با اشک، نامه تنبیهی خود را نوشت. می‌بینید، پولس در اینجا سعی دارد تعادل ظریفی را حفظ کند. او با ظرافت تلاش می‌کند تا با بازگو کردن وقایعی که برای قرنطیان کاملاً شناخته شده است، آشتی خود را با کلیسا کامل کند.

اگر قرار است تمام سوءتفاهم‌ها و سوءظن‌ها از رابطه‌شان برطرف شود، گذشته‌شان باید آشکار شود، نه اینکه روی آن سرپوش گذاشته شود یا نادیده گرفته شود. می‌بینید، اگر آن را نادیده بگیرید، یا آن را بپوشانید، در نزاع‌های آینده دوباره مطرح خواهد شد، و گاهی اوقات کلیساها در همین جا اشتباه می‌کنند. می‌بینید فقط فراموشش کنید.

بیا فراموشش کنیم. فراموشش نکن. در موردش حرف بزن.

در موردش صحبت کنید. اگر در موردش صحبت کنید، هر دوی شما می‌توانید در موردش گریه کنید یا برایش گریه کنید، و سپس می‌توانید یکدیگر را ببخشید، و وقتی در موردش صحبت کردید، دیگر آنجا نیست. اما اگر فقط آن را بپوشانیم و بگوییم، خب، اشکالی ندارد، من خوبم، در موردش صحبت نکنید.

در موردش صحبت کن. پولس در موردش صحبت کرد. یادت هست بهت گفتم که این یه رساله‌ی شبانیه، و این پولس، کشیش، هست که میگه، بین، این یه راهیه برای برخورد با این مسائل.

بنابراین، او چه می‌کند؟ او ابتدا آنها را به این دلیل که به نامه غم‌انگیزش پاسخ مثبت دادند، تشویق می‌کند و سپس به آنها اطمینان می‌دهد که در این موضوع بی‌گناه هستند و سپس به عنوان شریک و نماینده قابل اعتماد و مؤثری برای قرن‌تیا و خودش، خود را به آنها معرفی می‌کند. بنابراین، در این فرآیند، پولس از نظر الهیاتی به درد و غمی که برای آنها ایجاد کرده است، از نظر رابطه آنها با خدا و شخصاً در رابطه آنها با او می‌پردازد. بنابراین، او به آنها ثابت می‌کند که واقعاً قرن‌تیا را در قلب خود دارد تا بمیرند و با هم زندگی کنند.

بنابراین، می‌بینید، از آیه ۸ تا ۹ الف، پولس می‌گوید، به همین دلیل، به دلیل شادی تجدید شده و بی‌حد و حصر خود، نامه‌ای را نوشت که باعث اندوه آنها از شدت اندوه شد. این چیزی است که او می‌گوید. او نامه را از شدت اندوه نوشت.

او گفت، زیرا حتی اگر با نامه‌ام شما را ناراحت کرده باشم، پشیمان نیستم، پشیمان بودم، زیرا می‌بینم که با آن نامه شما را ناراحت کردم، هرچند فقط برای مدت کوتاهی از یک پریشانی بزرگ. او از اندوه قلبی صحبت می‌کند.

رنج و اندوه. می‌بینید، پولس به لغو سفرش که در ۱:۲۳ می‌بینیم اشاره یا توضیحی نمی‌دهد، اما فقط به نامه اشاره می‌کند. این نامه باعث درد و اندوه آنها شده بود.

پولس با القایی موافقت کرد که قرن‌تیا بتوانند میزان عشق او را نسبت به آنها بدانند، اما علیرغم بهترین نیت‌هایش. لحظه‌ای قبل از بازگشت تیطوس، رسول از ارسال نامه پشیمان شد. بنابراین، پولس می‌گوید، شاید نباید نامه را می‌فرستادم.

اما حالا که نامه به هدف دلخواهش رسیده، گفت پشیمان نیستم. وقتی نامه رسید، پولس رفت، شاید نباید آن را می‌فرستادم. به علاوه، وقتی تیطوس به موقع برنگشت، شاید در فرستادن آن نامه اشتباه کردم.

اما نامه نتیجه مثبتی داشت و او می‌گوید، من از آن پشیمان نیستم زیرا کار خود را انجام داده است. ممکن است پشیمان باشم، اما در حالی که پذیرش نامه در هاله‌ای از ابهام بود، او پشیمان بود. اما حالا می‌گوید، نه، پشیمان نیستم.

پولس حالا می‌تواند شاد باشد. حالا من شادم، نه به خاطر اینکه شما غمگین شدید، نه به خاطر اینکه آنها را غمگین کردید، نه به خاطر اینکه شما غمگین شدید، بلکه به این دلیل که غم شما را به توبه سوق داد، به تغییر ذهن منجر شد. می‌دانید پولس چه می‌گفت؛ من خیلی خوشحالم که خدا از این نامه برای آوردن غم و شفا به قرن‌تیا استفاده کرد، که باعث شادی خود رسول شد.

در مورد ماهیت این غم، پولس بین غم درمانی خود و توبه تمایز قائل می‌شود. توبه تغییر ذهن است، کاملاً و به طور کامل، ثمره غم و اندوه آنها. او از کلمه توبه استفاده می‌کند.

خیلی جالبه. این کلمه‌ای نیست که پولس زیاد ازش استفاده کنه. در واقع، پولس در مورد توبه صحبت می‌کنه و کلمه توبه رو فقط چهار بار در تمام نامه‌هاش به کار می‌بره.

در رومیان ۹:۱۰، رومیان ۲:۴ و دوم تیموتائوس ۲:۲۵ می‌بینید که این‌ها تنها جاهایی هستند که او از توبه به عنوان اسم استفاده می‌کند و فعل فقط یک بار آمده است، آن هم در دوم قرنتیان ۱۲:۲۱. اما او در اینجا از کلمات متفاوتی استفاده می‌کند، غم و توبه، اما توبه به معنای تغییر ذهن است. می‌بینید، وقتی پولس در مورد غم صحبت می‌کند، تمایز بین غم و توبه این است که غم به جای تغییر ذهن، نشان دهنده تغییر خلق و خو است.

یکی تغییر خلق و خو، تغییر احساسات، تغییر نگرش است، اما توبه به معنای تغییر کلی زندگی است. غم به معنای پشیمانی یا افسوس است. دومی به معنای تغییر قلب، تغییر نگرش و رفتار است.

همه ما می‌دانیم وقتی بچه‌های کوچک بد رفتاری می‌کنند، می‌گویند، اوه بابا، متاسفم، متاسفم، متاسفم، متاسفم، و تمام. و بعد می‌روند. و بعد، دو دقیقه بعد، می‌روند و همان کار را تکرار می‌کنند.

من می‌گویم، اوه، متاسفم، متاسفم. این چیزی نیست که پولس می‌گوید. این غم و اندوه الهی نیست.

منظورم این است که بعضی افراد به خاطر گرفتار شدن پشیمان هستند. اما توبه به معنای تغییر نگرش است. بنابراین، توبه امری روحانی است.

این یک تغییر معنوی است تا احساسی. وقتی کسی به طور کامل و تمام و کمال تغییر می‌کند، به جای توبه ایمان کلمه ترجیحی پولس برای توصیف روی آوردن فرد به خدا در دنیای غیریهودیان بود. کلیسای اولیه، در محیط یهودی خود، اصطلاح توبه را ترجیح می‌داد.

پولس ایمان را ترجیح می‌داد. اما هم در اینجا و هم در ۱۲:۲۱، پولس از اصطلاح توبه برای توصیف کاری که مسیحیان برای جبران انتخاب‌های اشتباه خود انجام می‌دهند، استفاده می‌کند. وقتی مسیحیان انتخاب‌های اشتباه می‌کنند، وقتی شخصی انتخاب‌های اشتباه می‌کند، به تعبیر پولس، شما توبه می‌کنید.

شما کاملاً و کاملاً از آن روی برمی‌گردانید. اما این کاملاً جالب است. لطفاً به این توجه کنید.

در کاربرد پولس، توبه برای کسانی است که در کلیسا هستند، نه برای کافران بیرون. بگذارید خودم را تکرار کنم. در کاربرد پولس، در قسمت‌هایی که برای شما دیکته کردم، می‌بینید که توبه برای کسانی است که در کلیسا هستند، نه برای کافران بیرون.

این به این معنی نیست که کافران توبه نمی‌کنند. همه ما توبه کرده‌ایم، حداقل من فرض می‌کنم قبل از اینکه خداوند را بشناسیم. اما در اینجا، پولس از توبه برای مؤمنان استفاده می‌کند.

غم‌های قرنتیان، همانطور که خدا در نظر داشت، برای خدا بود. یعنی، همانطور که کتاب مقدس استاندارد جدید آمریکایی می‌گوید، مطابق خواست خدا بود. غم قرنتیان مطابق خواست خدا بود.

بیان می‌کند. همین عبارت در آیات ۹ NRSV و این یک غم و اندوه خدایی بود. این همان چیزی است که ۱۰ و ۱۱ نیز تکرار می‌شود.

قرننتیان به هیچ وجه از نامه پولس آسیب دائمی ندیدند. آنها در قلمرو فیض هیچ ضرری متحمل نشدند. این عبارات نشان می‌دهد که این نوع غم و اندوهی که پولس از آن صحبت می‌کند، نه تنها توسط خدا برانگیخته شده است، بلکه باعث می‌شود مردم ماهیت نفرت‌انگیز انتخاب‌ها و گناهان خود را به عنوان توهینی به خدا و در قلب او به دیگران و خود ببینند. بنابراین، توبه می‌کنید، کاملاً و به طور کامل روی برمی‌گردانید

غمی که پولس از آن صحبت می‌کند، به طور قابل توجهی با آنچه جهان تجربه می‌کند و منجر به مرگ در آنها می‌شود، متفاوت است. ارزش بزرگ این غم این است که فواید قابل توجهی به همراه دارد. این غم باعث تغییر ذهن می‌شود که به نوبه خود منجر به نجات برای مؤمن می‌شود.

این بدان معناست که وقتی ما به خاطر انتخاب‌هایمان و انتخاب‌های اشتباهی که می‌کنیم، اندوه خدایی داریم، به این سمت هدایت می‌شویم که نظرم‌ان را در مورد آنها تغییر دهیم و اقدام مناسبی برای انکار آنها و اعتراف به آنها در پیشگاه خدا انجام دهیم. این منجر به رهایی ما از عذاب آنها می‌شود. بنابراین، پولس در مورد این موضوع صحبت می‌کند.

سپس، در آیه ۱۰، او دوباره می‌نویسد که آن درد، غمی الهی بود؛ زیرا این درد، نوعی توبه را به دنبال داشت که به رستگاری منجر می‌شود. بنابراین، باید ببینیم که بین پشیمانی، غم، پشیمانی و توبه تفاوت زیادی وجود دارد. یکی تغییر خلق و خو و دیگری تغییر ذهن است.

و سپس، در آیه ۱۱، او می‌گوید، زیرا بنگرید، بنگرید، او این را می‌گوید، زیرا ببینید که این غم و اندوه الهی چه شور و اشتیاقی در شما ایجاد کرده است. چه اشتیاقی برای تهرئه خود، چه خشمی، چه هراسی، چه اشتیاقی، چه غیرتی، چه مجازاتی. در هر مرحله، شما در این مورد بی‌گناهی خود را ثابت کرده‌اید.

آنجا می‌بینید که پولس می‌گوید، نگاه کنید، این همان فعل را تولید کرد، همین چیز را. و خیلی جالب است که تمام اسم‌هایی که پولس اینجا استفاده می‌کند، به آن نگاه کنید، چه اشتیاقی، چه خشمی، چه هشدار، چه اشتیاقی، چه مجازاتی، منظورم این است که چه غیرتی، همه این اسم‌ها با چه چیزی تکرار می‌شوند؟ و این به سادگی به این معنی است که چقدر عالی است، بسیار شدید است. منظورم این است که، می‌بینید، چون پولس آن را با سختی تکرار می‌کند، اما بسیار قدرتمند، چه جدیتی که به تولید مرتبط است.

قرننتیان اکنون مشتاقند تا به مشکلات کلیسای خود رسیدگی کنند. در واقع، پولس می‌نویسد، شما اشتیاق زیادی برای تهرئه خود دارید. چه اشتیاقی برای تهرئه خود.

آنها اکنون آماده بودند تا در مورد آن کاری انجام دهند. آنها اکنون آماده بودند. در اینجا، می‌بینید که پولس به آنها می‌گوید که شما آماده‌اید تا خود را از سرزنش تهرئه کنید.

و سپس می‌گوید، چه خشم و چه نگرانی، منظورم این است که این وضعیت ناگوار بر رابطه آنها با پولس و آینده کلیسا تأثیر خواهد گذاشت. اما اکنون آنها آماده‌اند تا اوضاع را درست کنند. حال، با نگاهی به آیه ۱۲ تا ۱۶، پولس درباره اثبات اعتمادش به قرننتیان صحبت می‌کند.

در آیه ۱۲، پولس توضیح می‌دهد که چرا آن نامه غم‌انگیز را نوشته است. چرا و چرا نه؟ بیایید اینطور بگوییم. بنابراین، اگرچه من به شما نوشتم، اما نه به خاطر کسی که ظلم کرده و نه به خاطر کسی که مورد ظلم قرار گرفته، بلکه به این منظور بود که غیرت شما برای ما در حضور خدا بر شما آشکار شود.

در آیه ۱۲، پولس در ادامه توضیح می‌دهد که چرا این نامه را نوشته است. بدون شک، حادثه دردناک در قرن‌تس فرصتی برای نوشتن نامه‌ای غم‌انگیز بود، اما پولس این نامه را نوشت تا توجه را به فرد خطاکار جلب کند یا به ظلمی که او به خودش کرده بود اعتراض کند. برای پولس، چیز مهم‌تری وجود داشت

مسئله‌ی مهم‌تری در پس همه‌ی این ماجرا وجود داشت، نه صرفاً مقصر و آسیب‌دیده. پولس از جانب خودش و از جانب خودش صحبت می‌کند. او اشتباه کرده بود، شکی در این نیست

اما این تمامیت معنوی آنها در رابطه‌شان با رسول بود که در خطر بود. چیزی بیش از رنجش پولس در خطر بود. مشکلات کلیسا پیش از این، ابری از بی‌وفایی و بی‌احترامی را بر نگرش قرن‌تس نسبت به پدر معنوی‌شان بسایه افکنده بود.

به همین دلیل، باید به قرن‌تس یادآوری می‌شد که رابطه‌شان با خدا و رابطه‌شان با پولس جدایی‌ناپذیر است. بنابراین، چیزی بزرگتر در خطر بود. رابطه‌شان با خدا و رابطه‌شان با پولس در هم تنیده بود و این در خطر بود.

و به همین دلیل است که او به آنها نامه نوشت. بنابراین، مسئله فقط این نیست که کسی به پولس توهین کرده باشد. به همین دلیل است که او به فرد توهین‌کننده اشاره نکرده است.

نه، به هیچ وجه. زیرا چیزی بزرگتر در خطر بود، و سپس در آیه ۱۳، او گفت: «از همه اینها ما دلگرم می‌شویم»

در این، ما تسلی می‌یابیم. در این، ما تسلی می‌یابیم. علاوه بر تسلی خودمان، ما بیشتر از شادی تیتوس شادمان می‌شویم زیرا ذهن او توسط همه شما آرام گرفته است.

با این کار، ما دلگرم می‌شویم. ببینید، پولس اکنون به عنوان پدر ایمانی آنها صحبت می‌کرد. او آنقدر نگران سلامت معنوی نهایی آنها است که از ایجاد درد و رنج برای آنها دریغ نمی‌کند، هرچند که خودش نیز به همان اندازه از این کار رنج می‌برد.

چنین دردی، وقتی توسط خدا به کار گرفته شود، نوعی توبه ایجاد می‌کند که منجر به نجات و اصلاح مشکلات درون کلیسا می‌شود. و سپس او اکنون در بخش پایانی آیه ۱۳ صحبت می‌کند، ما حتی بیشتر از شادی تیتوس شاد می‌شویم. ببینید، تیتوس قطعاً تجربه خوبی داشت.

و اکنون از آخرین بخش آیه ۱۳ تا پایان آیه ۱۶، پولس درباره دیدار تیتوس صحبت می‌کند. پولس پیش از این شادی خود را ابراز کرده بود. همچنین می‌توانید واکنش او را به گزارش تیتوس ببینید.

این در فصل ۷، آیات ۵ تا ۹ است. و او پاسخ قرن‌تس به نامه غم‌انگیز را بررسی کرده است. این در آیات ۹ تا ۱۲ است. اما در اینجا، پولس دوباره به آیات ۶ تا ۷ اشاره می‌کند. او توجه تازه‌ای به تجربه تیتوس در قرن‌تس می‌کند.

می‌بینید، پیش از این، پولس توجه خود را بر تسلی خاطری که تیتوس به او داده بود، متمرکز کرد. اکنون، او در ادامه به توصیف تأثیر مطلوب استقبال مثبت از تیتوس در قرن‌تس بر نماینده‌اش می‌پردازد. بنابراین، پولس آنها را به خاطر رفتارشان در این مورد تحسین می‌کند.

به همین دلیل است که او می‌گوید ما از شادی تیطوس بیشتر شادمان می‌شویم؛ ذهن او توسط همه شما تازه و آرام شده است. او تشویق شده است. پولس به ویژه از دیدن شادی تیطوس پس از بازدیدش از قرنتس بسیار خوشحال شد.

شادی پولس وقتی بیشتر شد که فهمید روحیه تیطوس توسط تمام کلیسا تازه شده است. بنابراین، تیطوس خوشحال بود زیرا کلیسا ذهن او را کاملاً آرام کرده بود. شادی آن لحظه می‌تواند منظور پولس را وقتی می‌گوید، همه شما، توضیح دهد.

او به راحتی مشکلات باقی‌مانده در کلیسای قرنتیان را نادیده می‌گرفت. حالا به همه شما می‌گوید، مشکلات باقی‌مانده‌ای که در فصل ۶، آیات ۱۴ تا ۷ وجود داشت، نابرابر بودند.

او همه اینها را فراموش کرد. او گفت که ما از همه شما روحیه گرفته‌ایم. پاول خوشحال بود.

سپس، در آیه ۱۴، پولس دلیل دیگری برای شادی خود ارائه می‌دهد. زیرا اگر من تا حدودی در مورد شما نزد او فخر کرده بودم، رسوا نشدم. اما همانطور که هر آنچه به شما گفتیم درست بود، فخر ما به تیطس نیز درست ثابت شد.

حقیقت عشق الهام گرفته از روح پولس به آنها، در خلوص توجه آنها به او نفوذ کرده بود. پولس هرگز کسی نبود که از لطف خدا نسبت به ایمان آوردگانش ناامید شود. بگذارید تکرار کنم.

خدا هرگز کسی نبود که از لطف خدا در مورد ایمان آوردگانش ناامید شود. او خوشبین و همیشه امیدوار بود. او معتقد بود که افتخار او در مورد آنها همچنان به اثبات خواهد رسید.

برعکس، مباحثات پولس به آنها نه تنها شرمساری به بار نیاورد، بلکه حقیقت داشت. می‌بینید، اعتماد پولس به قرنتیان با استقبال آنها از تیطوس تأیید شد. می‌توانیم تصور کنیم که تیطوس هنگام سفر به قرنتس چقدر نگران بود.

پولس به تیطوس اطمینان داد که همه چیز خوب پیش خواهد رفت. اما من مطمئن نیستم که تیطوس کاملاً مطمئن بوده باشد. اما هر ترسی که داشت برطرف شد و او مطمئن و دلگرم شد.

بنابراین، قرنتیان نه تنها از او استقبال کردند، بلکه روح او را تازه کردند و ثابت کردند که همان کسانی هستند که پولس به آنها افتخار می‌کرد. پیش‌بینی پولس به همان اندازه که سخنان و نوشته‌هایش به آنها گفته بود، درست از آب درآمد. در واقع، تیطوس نیز از قرنتیان برکت بزرگی دریافت می‌کند، تا جایی که هر زمان احترامی را که به او نشان دادند و اطاعتی را که از نامه پولس نشان دادند به یاد می‌آورد، عشق خودش نسبت به آنها لبریز می‌شود.

اعتماد پولس به خوانندگانش موجه بود. این اعتماد نتایج دلخواه او را به همراه داشت و او را خشنود ساخت. با این حال، اعتماد او تنها به آنها نبود.

به آیه ۱۵ نگاه کنید، جایی که تیطوس اطاعت قرنتیان از پولس و از خودش را در پذیرش او به یاد می‌آورد؛ محبت او نسبت به آنها بیشتر می‌شود. می‌بینید که این موضوع در آیه ۱۵ به وضوح بیان شده است. تیطوس بسیار خوشحال بود و با یادآوری اطاعت همه شما و اینکه چگونه با ترس و لرز از او استقبال کردید، دلش بیشتر برای شما می‌سوزد.

جالبه. منظوم اینه که این عبارت، با ترس و لرز، فقط توسط پولس در عهد جدید استفاده شده. فقط توسط پولس استفاده شده.

در اول قرن‌تین ۲، آیه ۳. فیلیپیان ۲، آیه ۱۲، به قرن‌تین گفته می‌شود که به عنوان یک جامعه، نجات خود را با ترس و لرز به دست آورند. نه به صورت فردی. می‌گوید، ترس خود را به دست آورید.

شما «در آنجا جمع است. رستگاری در آنجا مفرد است. رستگاری خود را، به صورت جمعی، رستگاری آنها» را، به عنوان یک کلیسا، با ترس و لرز به نمایش بگذارید.

و همچنین در افسسیان ۶، آیه ۵ نیز استفاده شده است. می‌بینید، این کلمه توسط پولس از خود عهد عتیق گرفته شده است. همانطور که در مزمور ۲، آیه ۱۱ می‌خوانید، می‌تواند به موضع صحیح انسان در برابر عظمت الهی اشاره داشته باشد، زمانی که با ترس و لرز به حضور خدا می‌روید. یا می‌تواند به واکنش انسان به قدرت محافظ خدا اشاره داشته باشد.

این واکنش قرن‌تین به حضور تیطوس در میان‌شان به عنوان نماینده رسول است. منظوم این است که شاید پولس به اشعیا فصل ۱۹، آیه ۱۶ اشاره می‌کرد که به وحشتی اشاره دارد که مصر هنگام آگاهی از دست برافراشته خدا تجربه خواهد کرد. اما ترس و لرز قرن‌تین در نهایت به دلیل شناخت آنها از تیطوس نه تنها به عنوان نماینده معتبر و معتبر رسول، بلکه به عنوان یک پیام‌آور الهی بود.

جالب است که پولس خدمت خود را در قرن‌تس با ترس و لرز فراوان آغاز کرد. در اول قرن‌تین، فصل ۲، آیه این را با لرزش بیشتری می‌بینید، زیرا او مسئولیت عظیم خود را در برابر خدا پذیرفت. بنابراین، اکنون ۳، مناسب بود که جماعت مردد در قرن‌تس نیز هنگام مواجهه با مسئولیت خود در برابر خدا و مسئولیت خود در قبال کسانی که اراده خدا را به آنها اعلام می‌کردند، ترس و لرز را تجربه کنند.

منظوم این است که ببینید پولس اینجا چه می‌گوید. او اعتماد به نفس داشت و اعتمادش به اثبات رسید. بنابراین، پولس همچنان به آنها اعتماد دارد.

در آیه ۱۶، من شادمانم زیرا به تو اعتماد کامل دارم. پولس دوباره موضوع شادی را از سر می‌گیرد. منظوم این است که در این آیه، شما قبلاً در آیه ۴، آیه ۷ و آیه ۱۳ او را در مورد شادی می‌بینید.

خوشحالم که تأیید می‌کنم آشتی او با قرن‌تین مؤثر و رضایت‌بخش است. می‌توانم کاملاً به او اعتماد کنم. او اکنون خود را قادر می‌بیند که به قرن‌تین تکیه کند.

منظوم این است که این یک خطابه بسیار متقاعدکننده است. پولس عمداً زمینه را برای درخواست‌هایی که قرار است در فصل‌های ۸ تا ۹ دنبال شوند، فراهم کرده است. در فصل‌های ۸ تا ۹، پولس قرار است در مورد جمع‌آوری و بخشش صحبت کند. بنابراین، در فصل ۷، پولس به شیوه‌ای قدرتمند با خطابه‌های متقاعدکننده به پایان می‌رساند و عمداً زمینه را برای آنچه قرار است در فصل‌های ۸ و ۹ دنبال شود، فراهم می‌کند. بنابراین شاید دوباره، او برخلاف دیدار دردناک قبلی‌اش، مشتاقانه منتظر یک دیدار شاد است.

اما تا چه حد اعتماد کامل پولس نابجا بود؟ خب، احتمالاً در دوم قرن‌تین ۱۰-۱۳ خواهیم دید که هنوز مشکلاتی وجود داشت. اما حداقل در این مرحله، او اعتماد کامل داشت. با این وجود، اشارات محکمی در رومیان وجود دارد که نشان می‌دهد قرن‌تین در واقع از این موقعیت استفاده کرده و از جمع‌آوری کمک‌های پولس حمایت کردند.

بنابراین، پولس بخش اول رساله را با نکته‌ای بسیار مثبت به پایان می‌رساند. بسیار بسیار مثبت. ما باید بیشتر از این اعتماد را به دیگران نشان دهیم.

با این حال، مردم نمی‌توانند زمینه‌ساز چنین اطمینانی باشند. زمینه، قدرت خدا و تمایل خدا برای پاسخ به دعاهایی است که جلال خدا و خیر دیگران را جستجو می‌کنند. بسیار بسیار مهم است که ببینیم پولس در اینجا چه می‌کند.

احساس شادی او عمیقاً با رفاه کامل کسانی که با عشق به آنها اهمیت می‌دهد، گره خورده است. چه همسفر او در آیات ۱۳-۱۴ باشند و چه ایمان آورندگان در آیات ۱۵-۱۶، اعتماد پولس به قرن‌تیا از گشودگی قلب و زندگی او نسبت به آنها ناشی می‌شود. و همچنین از عملکرد مداوم فیض خدا در زندگی قرن‌تیا.

، او همچنین در مورد نگرش واقعی آنها نسبت به خود، زمانی که تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار نگرفته بودند، اطمینان دارد. آنها اکنون پذیرای پولس بودند. آنها قلب خود را به طور کامل برای پولس باز کردند. همانطور که پولس نیز قلب خود را برای آنها باز کرد.

، این دکتر آيو آدوویا در حال تدریس در مورد رساله دوم قرن‌تیا است. این جلسه ۸، رساله دوم قرن‌تیا ۷ درخواست‌های فوری است.